

نجات شناختی تطبیقی

(اسلامی ، مسیحی)

حسینعلی سعدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نجات شناختی تطبیقی (اسلامی، مسیحی)

نویسنده:

حسین علی سعدی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	نجات شناختی تطبیقی (اسلامی، مسیحی)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	ضرورت مطالعات تطبیقی
۷	نجات شناسی در ادیان بزرگ
۷	اشاره
۸	آیین زردشت
۸	آیین یهود
۹	نجات شناختی، در اسلام و مسیحیت
۹	اشاره
۹	نجات از دیدگاه مسیحیت
۱۰	نجات از دیدگاه اسلام
۱۲	نقاط اشتراک و افتراق
۱۲	اشاره
۱۲	نقاط مشترک
۱۲	امید به آینده‌ی جهان و بشریت (غلبه‌ی حق بر باطل)
۱۲	مصلح کل و منجی مطلق، مردی الهی است
۱۳	زمان ظهور، مخفی است
۱۴	علایم ظهور
۱۴	اشاره
۱۴	علایم ظهور منجی در مسیحیت
۱۴	علایم ظهور منجی در اسلام

- ۱۵ جهان پس از ظهور (موفقیت منجی)
- ۱۵ غیبت منجی
- ۱۵ نقاط اختلاف
- ۱۷ پاورقی
- ۱۸ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نجات شناختی تطبیقی (اسلامی، مسیحی)

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدید آور: سعدی، حسینعلی

عنوان و شرح مسئولیت: نجات شناختی تطبیقی (اسلامی، مسیحی) [منبع الکترونیکی] / حسین علی سعدی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۹ بایگانی: ۷۰KB)

موضوع: برهان تطبیق

مسیحیت

اسطوره منجی

انتظار منجی

ظهور منجی

مقدمه

انسان، در همیشگی زمان و همه‌ی جای زمین، با دل خستگی و دل بستگی روبه‌رو بوده، خسته از دیروز و امروز و دل بسته به فردا و در انتظار منجی! «نجات» از مفاهیم زیبایی است که ریشه‌ای عمیق در تاریخی کهن دارد و انسان‌ها، همواره، به امید نجات و رهایی، در انتظار منجی بوده‌اند و آرزوی رؤیت طلوع خورشید را داشته‌اند. و در پرتو این امید، همیشه تیرگی ظلم و ستم تیره صفتان را به سخره گرفته‌اند. این قلم بر آن است که «نجات» را در بستر تفکر اسلامی و مسیحی، به صورت تطبیقی مورد کاوش قرار دهد.

ضرورت مطالعات تطبیقی

مطالعات تطبیقی، ضرورت زندگی عصر ما است که از تحوّل شگرف ارتباطات ناشی می‌شود. در گذشته، با عدم توفیق انسان در عرصه‌ی ارتباطات، این مهم، چندان ضرورتی نداشت، اما در عصر ارتباطات، هر فکر و اطلاعی که در گوشه‌ای از دهکده‌ی بزرگ جهانی طرح شود، لحظاتی بعد، تمام مردم جهان، امکان دستیابی به آن را دارند. در آستانه‌ی جهانی شدن، مطالعات تطبیقی در همه‌ی زمینه‌ها - بویژه در عرصه‌ی دین و حوزه‌ی عقاید - بسیار لازم است؛ چرا که مقوله‌ی فرهنگ و دین، نقش ممتازی را در روند جهانی شدن ایفا می‌کند و در این زمینه هم چون سایر زمینه‌های دیگر، برگ برنده در دست کسی است که بهترین و عقلانی‌ترین سخن را عرضه کند؛ زیرا، انسان، به مقتضای فطرت خود، از بهترین گفتارها استقبال می‌کند. [۱] این نگاه تطبیقی هم می‌تواند در حوزه‌ی اصول ادیان و هم در حوزه‌ی آموزه‌های آن صورت پذیرد. یکی از آموزه‌های مهم، حیاتی و نقطه‌ی مشترک همه‌ی ادیان که از رهاورد تطبیق آن، دستاوردهای عظیم فکری و کاربردی نصیب جوامع بشری خواهد شد، مسئله‌ی «نجات و انتظار منجی» و چگونگی نگرش به فرجام جهان و تاریخ است.

نجات شناسی در ادیان بزرگ

همه‌ی ادیان بزرگ، در بستر ظهور و بروز تا مرحله‌ی کمال خود، مدّعی نجات بخشی بشر بوده‌اند و اساساً یکی از رمزهای توفیق ادیان، همین زنده کردن مشعل امید در قلب و جان پیروان خود بوده است که از وضعیت رقت بار کنونی، به فردای روشن، امید ببندند و دل خستگی امروز را با دل بستگی به فردا، التیام بخشند. جان هیگ (دین پژوه و فیلسوف شهیر معاصر) می‌گوید: در همه‌ی ادیان بزرگ و متکامل جهان، به نوعی، اعتقاد به رستگاری و مبحث «نجات‌شناختی» وجود دارد. در این ادیان، عقیده به انتقال از یک حیات معصیت بار به وضعیت بهتر، وجود دارد؛ زیرا که حیات کنونی، حیاتی است «هبوط زده» و بیگانه از خدا و باید منتظر «حیات الهی» بود. [۲]. برای اثبات این ادعا، اشاره‌ای کوتاه و گذرا به برخی از ادیان بزرگ جهان می‌شود:

آیین زردشت

در کیش «زردشتی»، مسئله‌ی نجات - با توجه به منظومه‌ی عقیدتی آن، به نحو خاصی مطرح می‌شود. در این دین، یک قدرت کیهانی یا «روح خیر»، به نام «اهورا مزدا» و یک قدرت کیهانی متضاد یا «روح بزرگ شرّ» به نام «اهریمن»، خودنمایی می‌کند. [۳] در طول تاریخ، این دو نیرو با هم تا آخر الزمان - که با ظهور «سوشیانس» آغاز می‌شود. در ستیزند. در آن زمان، خوبی بر شرّ غلبه می‌کند و دوره‌ی صلح و پاکی و اعتلای «اهورامزدا» فرا می‌رسد و با ظهور سوشیانس، آخر الزمان آغاز می‌شود. [۴]. وظیفه‌ی این نجات دهنده، حفاظت جهان راستی و پاکی است. و جهانی که اندکی قبل از رستاخیز آراسته خواهد شد، در آن، راستگو بر دروغگو چیره می‌شود، نور بر ظلمت و خیر بر شرّ غلبه می‌یابد. بدین سبب، سوشیانس نامیده شده که به سراسر جهان مادی، سود خواهد رساند. [۵].

آیین یهود

در آیین یهود نیز مسئله‌ی «نجات انسان» مطرح است و کتاب مقدّس آنان «تورات»، «عهد عتیق»، و نیز «تلمود» - حاوی مژده به نجات انسان‌ها است و بشارت به پایان یافتن «آفت و شرّ» و غلبه‌ی «خیر و خوبی» است. در صحیفه‌ی دانیال نبی، آن‌گاه که از دوره‌ی اسارت بابلی سخن می‌گوید، بشارت می‌دهد که دنیای پر از آفت و شرّ، به پایان خواهد رسید. [۶]. نیز ظهور منجی و مسیحا را مژده می‌دهد که «او، فرزند منتخب داوود است». [۷] عیسی - آن نجات دهنده‌ای که خدا وعده‌اش را به اسراییل داد - از نسل همین داوود پادشاه است. [۸]. بدین ترتیب، اندیشه‌ی مسیحا به انتظار قیام پادشاهی بزرگ و شکوه‌مند خاندان داوود مبدل گشت که به فرمان الهی و با دمیده شدن روح خدا در او و حکومت شایسته‌ای که در «صهیون» بر پا خواهد کرد، برای همه‌ی جهان، نمونه خواهد شد. [۹]. از این رو امید به «آینده‌ی روشن» و «نجات انسان»، نقطه‌ی مشترک همه‌ی ادیان است که برخی از محققان، همین عطش و سوز فطری و دسته جمعی بشر را، بهترین دلیل بر وجود منجی‌ای می‌دانند که انسان را به نجات برساند و عطش او را سیراب کند؛ زیرا، عطش انسان، بهترین گواه بر وجود آب در هستی است. [۱۰]. در مقابل، برخی با ارائه‌ی تحلیلی مادّی گرایانه، علت اعتقاد جمعی و عمومی ادیان به منجی را در جای دیگری می‌جویند. آنان، انگیزه‌ی پیدایش چنین فکری را، وجود فشارهای اجتماعی و کمبودها و ضعف‌های مروجان و پیروان ادیان می‌دانند که برای رهایی از انبوه مسائل یأس آفرین، به یک دژ خیالی (امید به آینده روشن) پناه آورده‌اند، نه آن که عطش واقعی به این مسئله، در بشریت احساس شود. روشن است که عطش کاذب - اگر دلیل باشد - دلیل بر سراب است، نه آب! جدای از مباحث فکری و استدلالی، تاریخ، گواه سستی این دیدگاه و دوری آن از واقعیت است؛ زیرا، ادیان - بویژه اسلام - در اوج عظمت و قدرت خود، مسئله‌ی منجی و پایان زیبای جهان را مطرح کرده‌اند. مژده و بشارت‌هایی که در شهر مدینه و در اوج عظمت و قدرت اسلام مطرح شده، در مکه و در غربت اسلام بیان نشده است. این خواست و عطش همگانی، حکایت از واقعیت خارجی «آب» دارد، نه «سراب»!

نجات شناختی، در اسلام و مسیحیت

اشاره

در این جا بحث نجات شناختی (SOTERIOLOGY) تطبیقی، بین دو دین بزرگ اسلام و مسیحیت بررسی می‌شود تا در پرتو تطبیق و تبیین نقاط اشتراک و اختلاف، ژرفا و غنای مفهوم «انتظار در اسلام» روشن گردد.

نجات از دیدگاه مسیحیت

برای فهم مسئله‌ی نجات از دیدگاه مسیحیان، در ابتدا، باید نگرش این دین به انسان مطرح شود. از منظر «عهدین»، انسان نخستین (حضرت آدم) با گناه و تمرد از دستور الهی و سرپیچی از فرمان او، گرفتار گناه بزرگی شد. این گناه، با ذات او عجین گردید و انسان، ذاتاً، گناهکار و پلید شد، لذا از درگاه خدا رانده و به زمین تبعید شد. گناه ذاتی یا اولیّه (ORIQINAL SIN) - که باعث اخراج آدم از بهشت شد - موجب گردید که انسان نتواند به سرشت پاک و الهی خود برگردد. گناه اولیّه، ذات انسان را خراب، و سرشت او را فاسد کرد: وقتی حضرت آدم گناه کرد، گناه او، تمام نسل انسان را آلوده ساخت. گناه او، حتی باعث انتشار مرگ در سراسر جهان شد». (رومیان ۶: ۱۲ - ۱۳) پیامبران زیادی برای رهایی و نجات انسان، با شریعت و قانون آمده‌اند، اما شریعت هم نمی‌تواند انسان را آزاد کند. قبح مسئله، آن قدر زیاد، و فاجعه، به قدری عمیق است که این مهم (تطهیر سرشت انسان از گناه ذاتی) از عهده‌ی شریعت بر نمی‌آید. این نکته، از مباحث مهم و کلیدی در اندیشه‌ی مسیحی است که با شریعت و قانون، نمی‌توان از بند و اسارت گناه اولیّه آزاد شد. [۱۱] نه تنها شریعت‌در فرایند آزادسازی انسان مشارکت ندارد که خود، احیاناً، قید و بندی برای تحکیم و تقویت اسارت انسان است: وقتی آدم گناه کرد، گناه او، تمام نسل انسان را آلوده ساخت. اطمینان داریم که گناه آدم، باعث آلودگی مردم شد؛ چون، اگر چه مردم از زمان آدم تا موسی گناه می‌کردند، ولی خدا در آن روزها، ایشان را به جهت زیر پا گذاشتن قوانین الهی، مقصر نمی‌شناخت و به مرگ محکوم نمی‌کرد. برای این که هنوز نه قوانین خود را به ایشان عطا کرده بود و نه فرموده بود چه کارهایی از ایشان انتظار دارد. با این وجود، آنان همه مردند؛ ولی نه به همان دلیل که آدم مرد...». (رومیان ۶: ۱۲ - ۱۴) بر این اساس، شریعت‌های سابق هیچ نقش کلیدی در نجات انسان‌ها نداشته‌اند: «پس ده فرمان موسی چه نقشی در نجات انسان از گناه دارد؟ ده فرمان به این دلیل عطا شد تا بر تمام مردم مسلّم شود که تا چه حد قانون‌های خدا را زیر پا گذاشته‌اند». (رومیان ۵: ۲۰) «لذا باید از قید شریعت نیز آزاد شد؛ چرا که قانون مذهبی نمی‌تواند کسی را خوب و پاک کند». (رومیان ۷: ۲ - ۳) مسیحیان معتقدند که خداوند، برای رهایی و نجات انسان، پیامبران گذشته را با شریعت و قانون فرستاد، اما به جهت تمرد انسان (!) این نجات تحقق نیافت، مگر در یک مورد که آن هم ناقص و به صورت جزئی بود. آن مورد، «نجات و رهایی» برای قوم یهود بود. در عهد عتیق، اشاره به اقدامی مهم برای آزادسازی و نجات شده و آن، «خروج دسته جمعی بنی‌اسرائیل» از سرای اسارت مصر است. هنگامی که خداوند، بندگان خود را از بردگی و شرایط سخت اقتصادی و سیاسی نجات داد و خواست از آنان - از طریق میثاق و عهد در طور سینا - یک ملت روحانی و قوم مقدّس بسازد. (سفر خروج ۶: ۱۹) مهم‌ترین جنبه‌ی این خروج دسته جمعی، جنبه‌ی مذهبی و عبودیت است، امّا مردم از این میثاق الهی تمرد کردند و جامعه، گرفتار فقر و پریشانی و بی‌عدالتی شد. آنان در دوره‌ی جدید، منتظر «نجاتی» بودند تا همه را نجات دهد، لذا دکالوگ (DECALLOQUE=ده فرمان مقدس موسی)، نتوانست روند نجات را به نحو کامل و تام اجرا کند: پس نگذارید کسی از شما ایراد بگیرد که چرا این را می‌خورید و آن را می‌نوشید، یا چرا در روز تعطیل شنبه کار می‌کنید؛ چون، این‌ها، دستورهای موقتی بودند که با آمدن مسیح، از اعتبار افتادند. آن‌ها، فقط، سایه‌ی آن واقعیتی بودند که قرار بود بیاید و آن واقعیت، خود مسیح است. (کولسی - ۲: ۱۷ - ۱۸) پیامبران قبل از حضرت

عیسی، فقط زمینه را برای نجات بخشی آماده کرده بودند، اما عیسی علیه السلام در «سیر نجات بخشی» نقش اساسی را ایفا می‌کند و آن جا که قانون و شریعت، نمی‌تواند تاوان گناه ذاتی انسان باشد، پسر خدا(!)، پسر انسان(!)، خود را فدیه می‌کند تا انسان از بند اسارت گناه ذاتی، آزاد شود و «سرّ صلیب» بدین صورت آشکار می‌شود که پسر انسان، خود را برای «نجات بخشی» فدیه می‌کند: چه تفاوت بزرگی بین آدم و مسیح هست که قرار بود بیاید و چه فرق بزرگی بین گناه آدم و بخشش خدا وجود دارد؛ چون، آدم، با گناه خود، باعث مرگ عدّه‌ی زیادی شد، ولی مسیح، از روی لطف عظیم خداوند، باعث بخشش گناهان بسیاری گشت. آدم با اولین گناه خود، باعث شد عدّه‌ی زیادی محکوم به مرگ شوند، در حالی که مسیح، بشر را، رایگان، پاک می‌کند و باعث می‌شود که خداوند عدّه‌ی بسیاری را بی‌گناه بشناسد». (رومیان، ۶: ۱۵) آن چه از این قسمت‌های مختلف عهد جدید استفاده می‌شود، عبارت است از: ۱- آدم، با گناه خود، ذات انسان‌ها را گناه آلود کرد و باعث مرگ آنان شد. ۲- گرچه در فاصله‌ی آدم تا موسی (عهد قدیم)، انسان‌ها گناه می‌کردند، اما مقصر نبودند و مقصر اصلی، آدم بود. ۳- شریعت و قانون، توان رهایی بشر را ندارند. ۴- آدم و عیسی، یک فرق جوهری با هم دارند. آدم، باعث مرگ و بدبختی انسان‌ها(!) و مسیح، باعث حیات و نجات انسان‌ها است. مسیح، به رایگان و بدون هیچ تعامل و مشارکتی، یک سویه گناهان بشر را پاک می‌کند و باعث نجات آنان می‌شود. برنامه‌ی نجات مسیحی تا این جا ادامه می‌یابد و با صلیب، بشر از گناه ذاتی نجات می‌یابد و بس: قربان گاه واقعی ما، صلیب است که مسیح روی آن، جان خود را قربان ما کرد. کسانی که تلاش می‌کنند با اطاعت از قوانین مذهبی یهود نجات پیدا کنند، هرگز بهره‌ای از صلیب مسیح نمی‌برند». (عبرانیان، ۱۳: ۱۰ - ۱۱) از نگاه مسیحیت، انسان گرفتار هوا و هوس، زمانی طعم آزادی و نجات و رهایی را به طور کامل خواهد چشید و آن گاه گام در مدینه‌ی فاضله خواهد نهاد که مسیح، در آخرالزمان رجعت کند تا برای همیشه نجات انسان‌ها را تأمین و تضمین کند. «نجات و رهایی»، به طور کامل، خود را هنگام رجعت و آمدن دوباره‌ی مسیح به بشر می‌نمایاند. در فرهنگ مسیحی (the second coming)، دومین آمدن مسیح (رجعت) در پایان جهان - به عنوان منجی‌ای که همه‌ی تبعیض‌ها، ظلم‌ها، بی‌عدالتی‌ها، تاریکی‌ها و یأس‌ها را تبدیل به عدالت، امید و مهر می‌کند - جایگاه بلند و ممتازی دارد. همه مسیحیان، امید دارند که مسیح - چنان که پیام صلح، دوستی و مهر را برای انسان ارمغان آورد - در آمدن دوم خود، طعم «مهر و صلح» را به همه بچشاند. [۱۲]. مسیحیان، بعد از مصلوب شدن عیسی - به اعتقاد خودشان - منتظر بازگشت مجدد او هستند؛ چرا که خود، وعده‌ی آمدن داده بود که بار دیگر بر می‌گردد. مسیح، دوباره در آخرالزمان خواهد آمد و برنامه‌ی نجات را کامل خواهد کرد؛ زیرا، در حقیقت، شنیده‌ایم که او نجات دهنده‌ی عالم است. (یوحنا، ۴: ۴۲) «هم چنین مسیح چون یک بار قربانی شد، تا گناهان بسیاری را رفع کند، بار دیگر، بدون گناه، برای کسانی که منتظر او هستند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات». (عبرانیان، ۹: ۲۸) آنان، بر این باورند که در بازگشت مسیح، پسر انسان، جهان، روی سعادت را خواهد دید. انتظار بازگشت عیسی در جامعه‌ی مسیحی اولیه، آن قدر زنده و پویا بود که مسیحیان، دست از زندگی روزمره کشیده و به طور دسته جمعی برای بازگشت او روز شماری می‌کردند. و بر این باور بودند که وقتی که مسیح بیاید، ملکوت خدا و پادشاهی پسر انسان و غلبه‌ی خیر بر شر خواهد بود و جهان در صلح و آرامش به سر خواهد برد. مسیح، می‌آید و جهان پس از ظهور آن منجی، در صلح و صفای کامل به سر خواهد برد و زمین ایشان از طلا و نقره پر خواهد شد. (اشعیا، ۲: ۷) و جنگ و خونریزی، از جهان رخت بر می‌بندد و ائمتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید. (اشعیا، ۲: ۴) (یوسفوس، مورّخ مشهور اسرائیلی، می‌گوید: «اسنی‌ها، آخرالزمان را نزدیک می‌دانستند و در انتظار ظهور مسیح به انزوا می‌گذرانند و این عقیده، نه تنها مخصوص اسنی‌ها، بلکه عمومی بود» [۱۳].

نجات از دیدگاه اسلام

از منظر اسلام، نجات بخشی، معنا و مفهوم دیگری می‌یابد. همه‌ی پیامبران الهی و در صدر آنان پیامبر عظیم الشان اسلام، جهت

آزادی و نجات بخشی انسان‌ها گام برداشته‌اند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شعار محوری و اساسی خود را دعوت به فلاح و رستگاری (نجات) قرار داده بود: «قولوا لا إله إلا الله تفلحوا». قرآن، پیامبر را منادی آزادی، رهایی و نجات بخشی معرفی می‌کند: (الذین يتبعون الرسول النبي الأمي الذي يجدونه مكتوبا عندهم في التوراة والإنجيل... و يضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم). «إصر» به معنای بستن چیزی و حبس با قهر و غلبه است و در لوازم آن، معانی‌ای مانند عهد، پیمان و گناه به کار رفته است. [۱۴] «إصر» در آیه‌ی شریف، کنایه از انواع تحمیل است که بر دوش انسان‌ها سنگینی می‌کند. [۱۵]. آیه‌ی شریف، اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله را - که دلیل بر حقیقت او نیز هست - ذکر می‌کند. یکی از نشانه‌ها و شواهد رسالت آن حضرت، آزاد کردن انسان‌ها از چنگال اسارت است؛ زیرا، آزادی، نغمه‌ای است که فقط پیامبران و مردان الهی، توان سرودن آن را دارند و بس! حال این سؤال مطرح می‌شود که پیامبر اسلام، انسان‌ها را از کدامین اسارت رهانید و نجات بخشی او به چه معنا است؟ مفسران نظرهای مختلفی در این باره ارائه داده‌اند: ۱- بت پرستی، خرافات، عادات و رسوم غلط؛ ۲- جهل و نادانی؛ ۳- انواع تبعیضات و زندگی طبقاتی؛ ۴- قوانین نادرست؛ ۵- زنجیر اسارت و استبداد طاغوتیان. [۱۶]. البته، جمع این‌ها اشکالی ندارد و ممکن است همه‌ی آن‌ها مورد نظر باشد. بسیاری از مفسران، با توجه به سیاق آیه، عبارت «إصر و اغلال» را تنها اشاره به تکالیف سختی دانسته‌اند که خداوند، به عنوان مجازات، بر قوم یهود نهاده بود و پیامبر اسلام، با شریعت آسان خود، آن‌ها را برداشت: «ربنا ولا تحمل علينا إصراً كما حملته على الذين من قبلنا». رسول اکرم صلی الله علیه و آله، با هدف نجات آمده است، اما نه از گناه ذاتی که از هوا و هوس‌ها و پیرایه‌های عارضی ناشی شده؛ چرا که فرمود: «كل مولود يولد على الفطرة». نه تنها ذات بشر با گناه عجین نیست که صاف و آینه دار جمال حق است: «فطرت الله التي فطر الناس عليها». این نجات بخشی، که یک سویه و بدون تعامل، هدیه نمی‌شود، بلکه این هدیه، با کمک و استمداد از خود انسان تحقق می‌پذیرد. رسول الهی، فقط نیروی عقلانی و نامکشوف آنان را کشف و اثاره می‌کند: «لیثروا لهم دفائن العقول» [۱۷] و موانع و لغزش‌گاه‌ها را به انسان می‌نمایاند: «و ما علی الرسول الا البلاغ». آزادی و نجات بخشی پیامبر اسلام، در قالب دعوت انسان‌ها به آزاد اندیشیدن، رهایی از چنگال هوا و هوس‌ها، آزادی از اسارت و عبادت ما سوی الله، خدا باوری، خدا محوری،... عرضه و معرفی شده است و نجات، نه با فرار از شریعت که با پابندی به آن حاصل می‌شود. پیامبر صلی الله علیه و آله پیام نجات (شریعت) آورده و نجات بخشی آن حضرت، امری فرا بشری نیست، بلکه در گرو انجام دادن و به کار بستن پیام او است. از دیدگاه اسلام، رسول رحمت، پیام نجات را برای همیشه و همه‌ی افراد آورده و شریعت و کتاب آن حضرت، قانون «نجات بخشی» است، اما در مرحله‌ی پیاده شدن و اجرای این قانون عادلانه و نجات بخش، از سوی بشر، درنگ و سستی شده است و تحقق نهایی و کامل این نجات بخشی و اجرای کامل این برنامه، در آخر الزمان به دست مهدی موعود، خواهد بود که سیمای نجات بشریت را طبق همین قانون ترسیم می‌کند. نکته‌ی ظریف و قابل تأمل این که متفکران اسلامی برای اثبات ضرورت نبوت می‌گویند، بشر - که خاستگاه اختلاف و جهل است - توان وضع قانون عادلانه را، برای حل اختلافات مدنی ندارد. از این رو، بشر، برای وضع قانون عادلانه، محتاج وحی و پیامبر الهی است. [۱۸] با این تفکر می‌توان گفت، انسان‌های عادی، نه تنها از وضع که از اجرای کامل قانون عادلانه و الهی نیز عاجزند و این ناتوانی، به جهت طمع، ترس، غرض شخصی، جهل،... است. این عوامل، نه تنها مانع وضع قانون عادلانه‌اند، بلکه مانع اجرای قانون عادلانه نیز هستند. همچنان که وضع قانون، «فکر معصوم» می‌خواهد، اجرای آن نیز «توان معصوم» می‌طلبد و این، همان طور که لزوم بعثت را موجه می‌کند، ضرورت مهدویت را نیز مستدل می‌سازد. پس گرچه معاصران رسول صلی الله علیه و آله رایحه‌ی دل‌انگیز نجات را استشمام کردند، اما عطر دل‌ویز آن در پایان جهان، انسانیت را سرمست خواهد کرد. پیامبر رحمت، نسخه‌ی «آزادی بخشی» را آورده است و تحقق کامل آن، رهایی از مطلق عبودیت‌ها و بندگی‌ها جز بندگی خدا - و غلبه‌ی حق بر باطل و شکست زشتی و شیطان در آخر الزمان است. علامه طباطبایی در میزان می‌گوید: با این که شیطان، از خدا، تا قیامت مهلت می‌خواهد (فانظرنی الی یوم یبعثون)، اما مهلت الهی تا وقت معلوم

است، نه تا (یوم یبعثون، قال فإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ). [۱۹]. طبق مفاد آیه، دورانی می‌آید که زمان خوش دنیا است و آن روز، دیگر، شیطان، برانسان‌ها حاکمیت ندارد و مدینه‌ی فاضله تحقق می‌یابد. در آن موقع، همه‌ی وعده‌های مربوط به امام زمان، وفا می‌شود. برخی از محققان می‌گویند، این مهلت و زمان، مربوط به زمانی است که بشر، تکامل یافته و اشکالات را با آزمایش‌ها و علوم و تجربه‌ها رفع کرده است. تکامل به جایی می‌رسد که دیگر پرستش شیطان‌ها منتفی می‌شود و آن‌ها کشته می‌شوند. [۲۰].

نقاط اشتراک و افتراق

اشاره

«نیجات بخشی» اسلامی و مسیحی، در نقاطی با هم مشترک و دراموری با هم اختلاف دارند.

نقاط مشترک

امید به آینده‌ی جهان و بشریت (غلبه‌ی حق بر باطل)

آینده، از آن «خوبی‌ها» است و آن چه می‌ماند، «خیر و حق» است و باطل، رفتنی است، گرچه جولان اندکی نیز داشته باشد: (فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ) و (إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا). گفتنی است که بشارت ادیان الهی مبنی بر پیروزی حق و نابودی باطل، تاکنون در تاریخ تجربه نشده و صرف ادعا است؛ زیرا، با نگاهی به تاریخ، روشن می‌شود که همواره، اهل باطل، نسبت به اهل حق، اکثریت داشته‌اند. به این سؤال، جواب‌هایی داده شده است، اما اعتقاد به «مهدویت» نقش مهمی در حل این شبهه دارد؛ زیرا، غلبه‌ی نهایی در پایان تاریخ، از آن حق است. تاریخ، گرچه شاهد جولان باطل است، اما شکست ظاهری حق، موجب شکفتگی آن خواهد شد و باطل، در اوج جولان خود، مانند قواره، هزیمت خواهد یافت. قرآن مجید، به صراحت می‌فرماید: (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) و نیز (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ). این امید در فرهنگ اسلامی، آن گاه پر فروغ تر می‌شود که خاتم رسولان می‌فرماید: «لو لم يبق من الدهر الا- يوم واحد لطول الله ذالك اليوم حتى يبعث فيه رجلا من ولدی»؛ [۲۱] اگر فقط یک روز از عمر جهان باقی بماند، مایوس نباشید که وعده‌ی فرجام نیک و غلبه‌ی خیر بر بدی، حتمی است و مهدی و منجی موعود علیه السلام خواهد آمد». در فرهنگ مسیحی نیز همین اعتقاد (غلبه‌ی حق بر باطل در واپسین دوره‌ها)، به وضوح و روشنی وجود دارد. در «مزامیر داوود» - که به گفته برخی از محققان، همان زبور ذکر شده در [۲۲] قرآن است - می‌خوانیم: نزد خدا ساکت شود و منتظر او باشد!... و اما حلیمان، وارث زمین خواهند شد و از فراوانی نعمت و سلامتی متلذذ. [۲۳]. مسیح می‌آید و جهان، پس از ظهور آن منجی، در صلح و صفای کامل به سر خواهد برد و زمین ایشان، از نقره و طلا پر خواهد گشت و خزائن ایشان را انتهایی نیست. (اشعیا، ۲: ۷) شهرهای ویران شده، آباد می‌شود و آسایش همگانی تأمین می‌گردد. گرگ با بزّه سکونت خواهد داشت، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر با هم، و طفل شیر خواره بر سوراخ مار، بازی خواهد کرد. (اشعیا، ۱۱: ۷) پاپ ژان پل دوم می‌گوید: وقتی پسر انسان خواهد آمد، روی زمین را ایمان خواهد گرفت و وقتی مسیح می‌آید که تمام زمین ایمان رابیابد. [۲۴].

مصلح کل و منجی مطلق، مردی الهی است

این نیز یکی از نقاط مشترک هر دو دین است و از منظر آن دو، بشر عادی و معمولی، قدرت اجرای کامل قانون عادلانه را

ندارد. بشر، نه تنها قدرت وضع قانون جامع را ندارد، بلکه قدرت و توان اجرای آن را نیز ندارد و این اندیشه که «مصلح در پایان جهان، «عقل جمعی بشر» است نه این که شخص خاصی منظور باشد»، - با تصریح و نص اندیشه‌ی دینی (اسلامی و مسیحی)، تنافی دارد. از دیدگاه هر دو مکتب، «عقل جمعی بشری» فاقد این توان و نیرو است؛ چرا که از اجتماع ناقص‌ها، کامل، و از اجتماع صفرها، عدد درست نمی‌شود. سلسله جنبان حرکت اصلاحی آخر الزمان، مردی الهی است که در اندیشه‌ی مسیحیت «عیسی» [۲۵] و در اندیشه‌ی اسلامی، «مهدی» (علیه السلام) است. مسیح بار دیگر می‌آید برای کسانی که منتظر او می‌باشند و او ظاهر خواهد شد به جهت نجات. (عبرانیان، ۹: ۲۸) در حقیقت شنیده‌ایم که مسیح نجات دهنده‌ی عالم است. (یوحنا، ۴: ۴۲) در روایات، این نکته مورد قبول همه‌ی فرقه‌های اسلامی است که «رجل من اهل بیتی»، منجی آخر الزمان است، گرچه در خصوصیات آن اختلاف هست، اما در این که مردی الهی از سلاله‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله منجی کل است، اتفاق نظر وجود دارد، چنان که از اهل سنت و شیعه نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی اسمه اسمی... یملا الأرض عدلاً کما ملئت جوراً». [۲۶]. «رجل من ولدی»، نمی‌خواهد فقط اثبات شجره نامه‌ای کند (از نژاد او است)، بلکه این منجی موعود، از «او» و اهل بیت او است. کلمه‌ی «متی» نیز بیان این است که، مأموری الهی از سلاله‌ی نبی صلی الله علیه و آله قیام می‌کند. از دیدگاه مسیحیت، منجی کل، «مسیح» است و در روایات ما نیز به حضور آن حضرت در انقلاب جهانی اشاراتی شده است. از این رو لازم است نقش و حضور عیسی مسیح، در حرکت نجات بخش آخر الزمان از دیدگاه روایات اسلامی بررسی گردد. از منظر روایات اسلامی، حضرت عیسی علیه السلام در انقلاب جهانی آخر الزمان شرکت و حضور دارد و برای اقامه‌ی قسط و عدل از آسمان فرو می‌آید، اما زیر لوای مهدی علیه السلام است و مستقلاً عمل نمی‌کند. عیسی علیه السلام در سرزمین فلسطین به زمین فرود می‌آید و به امامت بر مهدی علیه السلام سلام می‌کند و پشت سر آن حضرت نماز می‌گزارد و او را در کشتن دجال نا به کار، کمک می‌کند. طبق بعضی از روایات، دجال، به دست امام مهدی (علیه السلام) و طبق روایت دیگری به دست حضرت عیسی علیه السلام کشته می‌شود، اما بر اساس حدیث دیگری - که وجه الجمع روایات این باب نیز هست - عیسی علیه السلام، امام مهدی (علیه السلام) را در کشتن دجال کمک می‌کند. [۲۷]. نکته‌ی مهم این که حضرت عیسی علیه السلام زیر لوا و پرچم و به امر امام مهدی (عج) در حرکت نهایی شرکت می‌کند. البته، عده‌ای از اهل سنت، به امامت مهدی (عج) بر عیسی علیه السلام - که پیامبر و صاحب شریعت و معجزه بوده - اشکال می‌کنند، [۲۸] اما طبق عقیده‌ی شیعه، این تقدّم و افضلیت وجود دارد. یجتمع المهدی و عیسی بن مریم فیجیء وقت الصلاة فبقول المهدی لعیسی: «تقدّم!». فبقول عیسی: «أنت أولی بالصلاة». فیصلی عیسی وراءه مأموماً؛ [۲۹] حضرت مهدی و عیسی باهم‌اند. هنگام نماز فرا می‌رسد، مهدی (عج) به عیسی می‌گوید: «جلو بایست برای نماز». عیسی می‌گوید: «شما، اولی و سزاوارترید». سپس عیسی به حضرت مهدی اقتدا می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «کیف أنتم إذا أنزل ابن مریم و إمامکم منکم؟ [۳۰] چه حالی دارید هنگامی که عیسی نازل شود، اما امام شما از خودتان باشد! علاوه بر این، عده‌ای گفته‌اند، رجعت عیسی علیه السلام به نبوت نیست؛ چرا که شریعت او نسخ شده و آن حضرت به نبوت رجعت نمی‌کند، بلکه برای اتمام حجت و تأیید حضرت مهدی (علیه السلام) رجوع می‌کند. [۳۱].

زمان ظهور، مخفی است

یکی دیگر از نقاط مشترک هر دو مکتب، این است که برای ظهور منجی، وقت خاصی مشخص نشده است. عدم تعیین وقت خاص (عدم توقیت) برای همیشه، مشعل امید را پرفروغ و نورانی نگه می‌دارد و مردم هیچ عصری از آمدن منجی مأیوس نمی‌شوند. اصولاً، وقت ظهور منجی را کسی جز خدا نمی‌داند و از مصادیق علم غیب به شمار می‌آید. حضرت عیسی علیه السلام، به طور مکرر در کتاب مقدس، اشاره می‌کند که زمان ظهور، مشخص نیست و هیچ کس غیر از خداوند آن را نمی‌داند. اما از آن روز و ساعت،

هیچ کس اطلاعی ندارد، حتی ملائکه‌ی آسمان جز پدر من (!) و بس. (متی، ۲۴: ۳۶) پس بیدار باشید؛ زیرا که آن روز و ساعت را نمی‌دانید. (متی، ۲۵: ۱۳) در حوزه‌ی تفکر اسلامی نیز به وضوح این نکته بیان شده که زمان ظهور، مخفی است و هیچ کس از آن اطلاعی ندارد. در روایات زیادی نیز «توقیت» رد شده است، اما این ابهام و نامعلوم بودن، نباید مایه‌ی دل سردی منتظران «منجی» باشد. امر فرج، ناگهانی است و هر آن، باید منتظرش بود. امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: مثله مثل الساعة التي لا يجليها لوقتها إلا هو عز وجل لا تأتیکم إلا بغتة؛ [۳۲] زمان قیام موعود، مانند قیامت است که کسی جز خداوند آن را نمی‌داند و فرا نمی‌رسد، مگر ناگهانی. و نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی منا يصلح الله له أمره فی الليلة؛ [۳۳] مهدی ما، کارش در یک شب، به سامان می‌رسد». گفتنی است مخفی بودن زمان ظهور، نباید باعث افسردگی، یأس و قساوت مؤمنان شود و آنان هر لحظه - حتی در اوج ناامیدی‌ها نیز - امید داشته باشند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «و لا يطولن علیکم الأمد فتقسو قلوبکم؛ [۳۴] زمان آن را دور نپندارید که دل‌هایتان سخت و بی‌امید شود.».

علائم ظهور

اشاره

هر چند زمان ظهور منجی، مخفی است، اما علایمی در هر دو دین، برای آن مطرح شده است. از این لحاظ، ظهور «موعود» به قیامت تشبیه شده است؛ زیرا، همچنان که قیامت علایمی دارد (اشراط الساعة)، ظهور نیز علایم و نشانه‌هایی دارد که قبل از آن، به وقوع می‌پیوندد. اصل وجود علایم و نشانه‌های ظهور و بعضی از آن نشانه‌ها، از نقاط مشترک آخرالزمان اسلامی و مسیحی است.

علائم ظهور منجی در مسیحیت

در کتاب مقدس و در عرصه‌ی تفکر مسیحی، برای ظهور منجی و آمدن عیسی علیه السلام علایم و نشانه‌هایی ذکر شده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- مسیح، زمانی ظهور می‌کند که مردم مجرم‌اند و ظلم دنیا را فرا گرفته است: چرا اسم من (خدا) باید بی حرمت شود، به جهت ذات خود (هتک احترام خدا) این کار را می‌کنم. (اشعیا، ۴۸: ۱۱) و این، بدان معنا است که دیگر عادل و نیکوکاری یافت نمی‌شود که برای او کار انجام بگیرد. ۲- ظهور مسیح، با ذلت قوم یهود بستگی دارد. ۳- ظهور مسیح، هنگام رقابت دولت‌ها و جنگ آن‌ها، با هم دیگر خواهد بود. [۳۵]. ۴- قبل از ظهور مسیح، دجال می‌آید: «ای بچه‌ها! این، ساعت آخر است و چنان که شنیده‌اید، دجال می‌آید. دروغگو کیست، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند؟! او، دجال است که پدر و پسر را انکار می‌کند.» (رساله‌ی اول یوحنا، ۲: ۱۸) «زناهار کسی به هیچ وجه شما را نفریبند؛ زیرا که تا آن ارتداد اول واقع نشود و آن مرد شریر؛ یعنی، فرزند هلاکت، ظاهر نگردد، آن روز نخواهد آمد». (نامه‌ی دوم پولس به تسالونیگیان، ۲: ۳) - ۵- نشانه‌هایی در آسمان و ماه و ستارگان: آن وقت در آسمان، اتفاقات عجیبی می‌افتد، در خورشید و ماه و ستاره، علایمی دیده خواهد شد که از خبرهای بد حکایت می‌کند. نظم و ثبات آسمان در هم می‌ریزد... وقتی پیشامدهایی که گفتم واقع شود، بدانید به زودی سلطنت خدا آغاز می‌شود. (لوقا، ۲۱: ۲۳ - ۲۵)

علائم ظهور منجی در اسلام

در روایات اسلامی، برای ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، علایم و نشانه‌هایی ذکر شده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱-

وجود حضرت عیسی علیه السلام یکی از علائم آخرالزمان است. پیامبر صلی الله علیه وآله می‌فرماید: «إِنَّهُ لَعَلَّمُ لِلسَّاعَةِ» - آی من علائم السَّاعَةِ حیث ترونه فی آخرالزمان -؛ [۳۶] حضرت عیسی علیه السلام خود، نشانه‌ی آخرالزمان است. ۲- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خمس قبل قیام القائم: الیمانی و السفیانی و المنادی ینادی فی السماء و خسف بالیبداء و قتل النفس الزکیة». [۳۷] ۳- خروج دجال قبل از قیام حضرت مهدی و اغوای مردم، از دیگر علائم است. ذکر این علامت‌ها، باعث شده که خفای زمان ظهور، مانع ایجاد یأس در قلب و جان مؤمنان و صالحان باشد و آنان بدانند که در اوج ناامیدی، امید مستضعفان و صالحان خواهد آمد.

جهان پس از ظهور (موقیت منجی)

یکی دیگر از نکات مشترک، پیروزی و موقیت منجی آخرالزمان، در اجرای کامل دستوره‌های الهی است که تا آن موقع با این گستردگی، در جهان رخ نداده است. مصلح آخرالزمان - بر خلاف بقیه‌ی مصلحان - در احقاق حق و نابودی باطل، شکست و عجز ندارد. او، به هدف خود می‌رسد و جهان را پر از عدل و داد، مساوات، خوبی، آبادی، صلح و صفا می‌کند. آرمان شهری که در طول تاریخ، ذهن انسان‌های صالح را به خود مشغول کرده بود، با آمدن منجی، تحقق می‌یابد. و مسیح می‌آید و جهان پس از ظهور آن منجی، در صلح و صفای کامل به سر خواهد برد و زمین ایشان از نقره و طلا پر خواهد شد و خزائن ایشان را انتهای نیست. (اشعیا، ۲: ۷) شهرهای ویران شده، آباد و آسایش همگانی تأمین شود. گرگ با بزّه سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله می‌خوابد. (اشعیا، ۱۱: ۷) جنگ و خونریزی، از جهان رخت برمی‌بندد و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهد آموخت. (اشعیا، ۲: ۴) چنین مباحثی در حوزه‌ی تفکر اسلامی نیز مطرح است که مهدی موعود علیه السلام جهان را پر از عدل و داد و خیر و نور می‌کند و نظریه‌ی «حاکمیت خدا» و برنامه‌ی «نجات بخشی خاتم رسولان» را مو به مو اجرا می‌کند: «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً». از لحاظ اقتصادی، رفاه بر جامعه حاکم می‌شود، نا امنی و خرابی جای خود را به امتیت و عمران می‌دهد، هیچ فقیر و محتاج و گرسنه‌ای نخواهد بود: «فیحییء إلیه الرجل فیقول: «یا مهدی! اعطنی...» فیحیی له فی ثوبه ما استطاع أن یحمله». [۳۸]. امتیت، چنان حاکم می‌شود که: «حتی تمشی المرأة بین العراق و الشام و لا تضع قدمیها إلا علی النبات و علی رأسها زینتها»؛ [۳۹] زن، تنها و با وسایل گران قیمت، مسافرت می‌کند و خطری او را تهدید نمی‌کند. نیز وارد شده است: «و ترعی الشاة و الذئب فی مکان واحد و یلعب الصبیان بالعقارب لا یضرهم شیءٌ و یذهب الشر و ینقی الخیر». [۴۰]. هم نیز صلح و صفا حاکم می‌شود: «لوقد قام قائمنا لذهب الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم»؛ [۴۱] نه تنها صلح بر جامعه‌ی انسانی حاکم می‌شود که بر کل موجودات و جانداران، سایه می‌افکند و...

غیبت منجی

منجی و مصلح موعود، براساس هر دو دین، الان، وجود دارد، اما غایب است و در آخرالزمان می‌آید، نه آن که در آخرالزمان متولد شود. اگر منتظران، بدانند منجی وجود دارد، مایه‌ی قوت قلب و دل گرمی آنان است. طبق عقیده‌ی مسیحیان، عیسی علیه السلام بعد از مصلوب شدن، به آسمان رفت و نزد خدای پدر هست تا برگشت دوم و رجعت خود که در آخرالزمان رخ می‌دهد، اما طبق عقیده‌ی مسلمانان و نصّ قرآن، خداوند، او را بالا برد و نزد او است: «بل رَفَعَهُ اللهُ إِلَیهِ و لکن شبّه لهم». طبق اخبار صحیح، مهدی موعود علیه السلام، متولد شده و زنده است، اما الان در پس پرده‌ی غیبت است و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. پس عقیده به نجات بخشی، مبتنی بر ظهور منجی در آخرالزمان است، نه تولّد او در آن زمان که این، خود، نکات لطیفی دارد.

نقاط اختلاف

در نجات‌شناسی اسلامی و مسیحی، نقاط اختلافی نیز وجود دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- نجات بخشی مسیحیت، مبتنی بر گناه ذاتی و اوّلیه‌ی انسان است که از عصیان آدم نشئت گرفته و همه‌ی نسل او را سیاه و آلوده ساخته است. آنان، شریعت را فاقد توان «نجات بخشی» می‌دانند. پولس در نامه به «غلاطیان» تصریح می‌کند که: قوانین مذهبی، انسان را نجات نمی‌دهد، بلکه باید ایمان داشت. اگر ما می‌توانستیم با اجرای قانون نجات پیدا کنیم، دیگر لازم نبود که خدا راه دیگری به ما نشان دهد تا بتوانیم از چنگ گناه آزاد شویم. تنها راه آزادی برای همه‌ی ما، این است که به عیسای مسیح ایمان آوریم. قبل از آمدن مسیح، همه‌ی ما، در زندان موقت قوانین مذهبی بودیم و تنها امید ما این بود که نجات دهنده‌ی ما، عیسی مسیح بیاید و ما را نجات دهد. پس حالا که مسیح آمده، دیگر احتیاجی به قوانین مذهبی نداریم. دیگر فرقی نمی‌کند که ما یهودی باشیم یا غیر یهودی، غلام باشیم یا آزاد، مرد باشیم یا زن. (غلاطیان، ۴: ۲۱-۲۷) حالا که مسیح، شما را آزاد کرده است، کوشش کنید آزاد بمانید و بار دیگر خودتان را در بند اسارت قوانین مذهبی گرفتار نسازید. (غلاطیان، ۵: ۲) اما در اسلام، انسان، ذاتاً پاک و با فطرت خداجویی آفریده شده است: «کل مولود یولد علی الفطرة». مفسران اسلامی، عموماً، به تئزیه پیامبران معتقد هستند و عمل آدم را گناه نمی‌دانند [۴۲] بر فرض که آدم گناه کرد، چه ربطی به سرشت انسان‌ها دارد و چرا دیگران را فاسد می‌کند: «ولاتزر وازرة وزر اخرى»؟ در اسلام، هر کس، در مقابل عمل خود مسئول است. علاوه بر این از منظر اسلام، «شریعت»، نه تنها فاقد توان نجات بخشی نیست که نجات یابی، تنها، در گرو عمل به شریعت و قانون مذهبی است. شریعت محمدی، ضامن نجات بشریت است و نجات هم در گرو عمل به آن و اجرای دقیق آن است. نجات بخشی مهدی موعود، منوط به اجرای کامل شریعت محمدی صلی الله علیه و آله است (این محیی معالم الدین). او، سنت‌های تعطیل شده را احیا و اجرا می‌کند، بر خلاف مسیحیت که معتقد است با صلیب عیسی و فدیة شدن او، بشر نجات یافته است، اما این نجات، کامل نیست. مسلمانان معتقدند، پیامبر صلی الله علیه و آله، نجات کامل را در قالب شریعت و قانون به بشریت عرضه کرده و کار مهدی موعود، اجرای مو به موی همین قانون و شریعت است. ۲- نجات در مسیحیت، در گرو اعتقاد صرف به مسیح و رها شدن از قید و بند شریعت (!) تحقق می‌یابد؛ یعنی، آزادی و نجات بشر، از مسیر آزادی از قانون و شریعت به دست می‌آید، اما معلوم نیست مسیح در بازگشت دوباره‌ی خود، نجات کامل را چه گونه محقق خواهد ساخت. در اسلام، نجات، در گرو «اعتقاد و عمل صالح» و «عمل به شریعت و قانون» تحقق می‌یابد و کار مهدی موعود، اجرای قانون محمدی است. در منطق اسلام، «ایمان»، موجب نجات است که شامل اعتقاد و عمل، هر دو است، چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الإيمان معرفة بالقلب و قول باللسان و عمل بالأركان». [۴۳]. در این دیدگاه، عمل بدون ایمان، مقبول نیست، همان گونه که ایمان بدون عمل هم دردی را دوا نمی‌کند! در دیدگاه اسلامی، ایمان و اعتقاد، باید همراه با عمل به شریعت باشد تا بشر را نجات دهد، و گرنه صرف اعتقاد به پیامبر، نجاتی در پی ندارد. این مسئله، از نقاط عمیق اختلاف، در نجات‌شناختی اسلام و مسیحیت است. نجات بخشی اسلامی، نه بدین انگیزه که انسان، ذاتاً، گناهکار است - که نهاد و طبیعت او پاک است -، بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله برای رهایی انسان‌ها از هوا و هوس‌ها، جهالت و ظلمت‌ها، تبعیض و بی عدالتی‌ها، و... قانون (کتاب) جدید آورده و در جامعه‌ی خود طعم آزادی، نجات و عدالت را به بشریت چشاند. اما تحقق و اجرای کامل آن، نیاز به «زمان و زمینه» دارد که در عصر مهدی (عج) به وقوع می‌پیوندد. ۳- تفاوت دیگر نجات‌شناختی اسلامی و مسیحی، این است که «منتظر و منجی» در فرهنگ شیعی، در متن جامعه حضور دارد و غیبت او، به معنای عدم حضور و تعامل او در اجتماع نیست، بلکه صرفاً «مستوری» است. او، حضوری کارآمد و فعال در میان جامعه دارد و به علاقه‌مندان و مریدان‌اش و هر مستضعفی که با زبان حال، او را بخواند، عنایت و توجه دارد. امام عصر علیه السلام در توفیق شریف، به شیخ مفید فرمود: «إنا غیر مهملین لمراعاتکم و لانا سین لذکرکم؛ از سرپرستی و رسیدگی کارهای شما کوتاهی نورزیده و یاد شما را از صفحه‌ی خاطر نزدوده‌ایم». [۴۴] آن حضرت، نه تنها به یادمان است، بلکه در اجتماع ما حضور فیزیکی نیز دارد: «یظاً فرشهم». او، در منازل و مجامع حضور دارد و تشرف یافتن گروهی به محضر پر خیر و

برکت‌اش، بابتی از ابواب کتاب‌های مربوط به حضرت را به خود اختصاص داده است. مرحوم شیخ صدوق در کمال الدین فصلی را تحت عنوان «ذِکْر مَنْ شَاهَدَ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ رَأَاهُ وَ كَلَّمَهُ» مطرح می‌کند و در آن، از افرادی که به محضر «بقیة‌الله اعظم» (عج) مشرف شده و کسب فیض کرده‌اند، نام می‌برد. گفتنی است گرچه برخی از فرقه‌های اسلامی، به عدم تولد آن حضرت معتقدند، اما از منظر اسلام ناب و تشیع، این مطلب، مردود است و در کتاب‌های مربوط، به صورت تفصیلی، ولادت حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده است. «حضور منجی در اجتماع»، نکته‌ی تمایز اندیشه‌ی اسلام و تفکر مسیحی به شمار می‌رود، هر چند مسیحیان معتقدند که؛ حضرت عیسی علیه السلام بعد از مصلوب شدن، زنده گردید و به نزد خدا رفت: بالاخره، مرا می‌کشند، اما من روز سوم دوباره زنده می‌شوم». (لوقا، ۱۸: ۳۳) بعد از مصلوب شدن، در حالی که ایشان را برکت می‌داد، از روی زمین جدا شده، به طرف آسمان بالا رفت. (لوقا، ۲۴: ۵۰) از نظر مسیحیان، منجی موعود، در میان مردم و روی زمین، حضور ندارد و در آخرالزمان بر زمین نازل می‌شود تا صلح و نجات را بیاورد، اما در اندیشه‌ی اسلامی، غیبت او به معنای عدم حضور نیست: «بنفسی أنت من مغیب لم یخلُ منّا».

پاورقی

- [۱] «فبشر عباد الذین یستمعون القول و یتبعون احسنه».
- [۲] فلسفه‌ی دین، جان هیک، ص ۱۸.
- [۳] ادیان زنده‌ی جهان، ص ۳۶۹.
- [۴] تاریخ ادیان، جان بی‌ناس، ترجمه‌ی حکمت، ص ۳۱۸.
- [۵] نجات بخشی ادیان، ص ۴؛ ر. ک: کلیات الهیات رهایی بخش.
- [۶] تاریخ ادیان، ص ۳۶۶؛ انتظار مسیحا در آیین یهود، کرینستون، ترجمه‌ی توفیقی.
- [۷] تاریخ ادیان، جان ناس، ص ۳۶۶؛ انتظار مسیحا در آیین یهود.
- [۸] خدمات رسولان، ۱۴: ۱۲۳.
- [۹] انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۳۰.]
- [۱۰] مهدی تجسم امید و نجات، ص ۵۵.
- [۱۱] کلیات الهیات رهایی بخش، مصطفوی. ر. ک: اصول مسیحیت، سارو خاچیکی.
- [۱۲] المجئ الثانی للمسیح و نهائیه التاریخ، دکتر مکرم نجیب.
- [۱۳] نبوت اسرائیلی و مسیحی، محمود رامیار، ص ۱۴۹.
- [۱۴] التحقیق فی کلمات القرآن.
- [۱۵] پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ح ۷، ص ۲۵.
- [۱۶] همان.
- [۱۷] نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه‌ی ۲.
- [۱۸] المیزان؛ ذیل آیه‌ی شریفه؛ نبوت و عقل، محمد جواد مغنیه.
- [۱۹] المیزان، ذیل آیه‌ی شریفه.
- [۲۰] گفتمان مهدویت، رفسنجانی، ص ۵۰.
- [۲۱] بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۴؛ ر. ک: الغیبه، شیخ طوسی.

- [۲۲] معرفت، گفتمان مهدویت.
- [۲۳] گفتمان مهدویت، ص ۱۳۵.
- [۲۴] همان.
- [۲۵] عیسی به روایت مرقس، پل اسمیت، ترجمه‌ی رشدی.
- [۲۶] صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶۵.
- [۲۷] بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۸۵.
- [۲۸] گفتمان مهدویت، ص ۵۰.
- [۲۹] تذکره الخواص، ص ۳۷۷.
- [۳۰] الصواعق المحرقة، ابن حجر هیثمی.
- [۳۱] گفتمان مهدویت، ص ۸۵.
- [۳۲] مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۶۰.
- [۳۳] همان.
- [۳۴] بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.
- [۳۵] گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۵۶.
- [۳۶] الصواعق المحرقة، ابن حجر هیثمی.
- [۳۷] کمال الدین، صدوق، ج ۲، ص ۶۴۹.
- [۳۸] معجم الأحادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۸۵.
- [۳۹] همان.
- [۴۰] همان.
- [۴۱] بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹.
- [۴۲] پیام قرآن، ج ۷.
- [۴۳] میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۰۱.
- [۴۴] بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبنا: ۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰ IR
 ۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

